

رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس در سده بیست‌ویکم

زهرا وفامند^۱، * فریبرز ارغوانی پیرسلامی^۲

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۸ دی ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۷ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳

چکیده

جهت‌گیری نوین قدرت‌های بزرگ در آغاز سده بیست‌ویکم و توجه بیشتر آن‌ها به مؤلفه‌های اقتصادی و نفوذ در مناطق استراتژیک جهان موجب شده رقابت میان قدرت‌ها روزبه‌روز افزایش یابد. در این دوره کشورها به‌جای توجه محض به ژئوپلیتیک بر ژئواکونومی تأکید می‌کنند و تقویت روندهای منطقه‌ای نیز موجب اهمیت یافتن دیپلماسی اقتصادی در سطوح منطقه‌ای شده است. با توجه به پیشگامی چین در دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای، هدف این مقاله بررسی دلایل تسهیل دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس است. این نوشتار با طرح این پرسش که چه عواملی در تعیین دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس در سده بیست‌ویکم مؤثر بوده است؟ با اتکا به روش توصیفی-تبیینی و رویکرد موازنه‌سازی منطقه‌ای بر این نظر است که رقابت‌های منطقه‌ای در زیرسیستم خلیج فارس در دو بخش رقابت‌های درون منطقه‌ای میان کشورهای منطقه و رقابت میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه بستر و شرایط لازم را برای تسهیل دیپلماسی اقتصادی چین در این منطقه مهیا کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چین در سال‌های اخیر در راستای تسهیل دیپلماسی اقتصادی همواره محور سیاست خارجی خود را مبتنی بر تقویت مناسبات پایدار با سایر کشورها و تحکیم روابط حسنه با همسایگان و حل‌وفصل مشکلات در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داده است و با ایجاد توازن میان قدرت‌های منطقه تلاش کرده منافع خصوصاً دیپلماسی اقتصادی خود را پیش ببرد.

کلیدواژه‌ها:

چین، خلیج فارس،
رقابت‌های منطقه‌ای،
دیپلماسی اقتصادی،
موازنه‌سازی منطقه‌ای.

* نویسنده مسئول:

دکتر فریبرز ارغوانی پیرسلامی
نشانی:

گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق
و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز،
شیراز، ایران.

پست الکترونیک:

farghavani@shirazu.ac.ir

استناد به این مقاله:

وفامند، زهرا و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. (۱۴۰۳). رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس در سده بیست و یکم. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶(۲)، ۲۷۱-۳۰۳.

۱. مقدمه

در آغاز قرن ۲۱، جهت‌گیری نوین قدرت‌های بزرگ و اهتمام بیشتر آن‌ها به منافع اقتصادی در مناطق استراتژیک جهان موجب شده با یکدیگر رقابت کنند. در این دوره کشورها به‌جای توجه محض به ژئوپلیتیک عمدتاً به ژئواکونومیک و تأثیرات ویژه اقتصاد بر جغرافیا سوق پیدا کرده‌اند و تلاش می‌کنند به مناطق حساس جهان به‌جای نگاه سیاسی - نظامی، نگرش سیاسی - اقتصادی داشته باشند. خلیج فارس یکی از مناطقی است که از دید نظریه‌های ژئواکونومیک، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست که بازارهای مصرفی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی، منابع وسیع و محیط مناسبی را برای ایفای نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قالب منازعه، همکاری و رقابت فراهم می‌کند. در بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در غرب آسیا مشغول به فعالیت هستند؛ جمهوری خلق چین به دلیل تداوم رشد اقتصادی خود که از مهم‌ترین برنامه‌ها برای افزایش مشروعیت حزب کمونیست است، نیاز روزافزونی به نفت، سرمایه و بازار مصرف خلیج فارس پیدا کرده است. در این راستا، چین در سده اخیر به دنبال گسترش حضور خود در منطقه خلیج فارس بوده و به تدریج حضور سیاسی و فعالیت‌های خود را افزایش داده و به دنبال تضمین امنیت واردات انرژی از خلیج فارس برای رقابت با قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و هند در منطقه بوده است؛ در نتیجه می‌توان گفت بررسی ماهیت منافع جمهوری خلق چین در منطقه خلیج فارس حاکی از سه حوزه عمده‌ای است که منافع کشورهای خلیج فارس و چین در آن به یکدیگر پیوند خورده است و روزبه‌روز بر فرایند دیپلماسی اقتصادی این کشور با هارتلند خلیج فارس افزوده شده است. این سه حوزه عبارت‌اند از: بحث پیوندهای سیاسی - نظامی، اولویت انرژی و منافع تجاری و اقتصادی.

از آنجایی که چین به‌عنوان قدرت نوظهور و با نگرشی استراتژیک در سال‌های اخیر تمایل خود را برای ایفای نقشی متفاوت از گذشته نشان داده و بعضاً به‌مثابه الگویی برای توسعه کشورهای منطقه مطرح شده است (Mohammadi, Salehi, Ghezelsoufa, 2024) این مقاله درصدد است تا با بررسی همه‌جانبه زمین بازی استراتژیک چین بتواند ارزیابی دقیقی از منافع کشورهای خلیج فارس در ارتباط با چین در آینده نظم نوین جهانی به‌دست آورد. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در تعیین دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس در سده بیست و یکم مؤثر بوده است؟ و برای پاسخ به این پرسش بعد از تشریح مفهوم موازنه قدرت و سطوح مختلف آن، شاخص‌های دیپلماسی اقتصادی چین در این منطقه و رقابت‌های موجود بررسی خواهد شد.

۲. بررسی ادبیات پژوهش

در میان آثار فارسی کتاب «سیاست خارجی جهانی و منطقه‌ای چین در قرن بیست و یکم» (۱۳۹۶) اثر بهاره سازمند، فریبرز ارغوانی مؤلفه‌های مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی و فناوری چین را بررسی کرده و چین را کشوری می‌داند که ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به هژمون دارد.

مهدی عباس‌زاده و مؤژگان خواجه‌پوری در اثری با عنوان «سیاست خارجی چین در منطقه خلیج فارس و تأثیر آن در منافع آمریکا» (۱۳۹۵) بررسی کرده‌اند که یکی از دلایل تحلیل رفتن منافع آمریکا در منطقه، خیزش چین و تلاش این کشور برای حرکت از حاشیه به متن این منطقه است؛ هرچند چین در تقابل مستقیم با آمریکا در منطقه پرهیز می‌کند، زیرا منافع خود را در گرو حفظ نظم منطقه‌ای می‌داند.

جرمی گارلیک و رادکا هاولوا (۲۰۲۰) رویکرد چین در تأمین و گسترش منافع خود در خلیج فارس را بررسی کرده و ضمن توضیح طرح یک کمربند و یک جاده معتقدند که چین با این طرح به دنبال تأمین امنیت انرژی و توسعه اقتصادی خود در این منطقه است.

همچنین شومینگ چیان و جاناتان فولتون (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «روابط اقتصادی چین و خلیج فارس تحت طرح کمربند و جاده» روابط اقتصادی چین و شورای همکاری خلیج فارس GCC را تحلیل کرده‌اند و تأکید می‌کنند که در سال‌های اخیر حجم تجارت بین چین و شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به‌طور مؤثری افزایش یافته است و انرژی نقش مهمی را در این رابطه ایفا می‌کند. شورای همکاری از چند سال پیش از «ابتکار یک کمربند و یک جاده» چینی استقبال کرده و برخی کشورهای عضو شورا به‌طور جدی وارد مرحله اجرایی این ابتکار شده‌اند. براین اساس، روابط چین با کشورهای شورا تا جایی توسعه یافت که شامل حمایت دوجانبه در محافل بین‌المللی شود. چین در تلاش برای توسعه آن روابط اقدام به اعزام وابسته نظامی به برخی کشورهای شورا کرد. به‌طورکلی این مقاله روابط چین و شورای همکاری خلیج فارس را در زمانی بررسی می‌کند که ابتکار عمل کمربند و جاده نقش مهمی را در روابط بین‌الملل چین داشته است.

مقاله حاضر تلاش دارد به ابعاد جدیدتری در بحث دیپلماسی اقتصادی کشور چین در زیرسیستم خلیج فارس با محوریت توجه به تنوع رفتاری چین و دلایل آن، فراتر رفتن از رویکرد دیپلماسی چین با نگاه صرف انرژی و واکاوی رویکرد عمل‌گرایانه آن در بستر رقابت‌های منطقه‌ای بپردازد.

۳. چهارچوب نظری: موازنه‌سازی منطقه‌ای در زیرسیستم خلیج فارس

یکی از پرکاربردترین الگوهای بررسی و تبیین رفتار دولت‌ها در نظام بین‌المللی معاصر، چهارچوب موازنه قدرت یا موازنه‌سازی است. دولت‌ها با هدف جلوگیری از افزایش تهدید یا قرارگیری در موقعیت‌های برگشت‌ناپذیر در برابر سایر دولت‌ها تلاش دارند از طریق افزایش توانایی‌ها یا از رهگذر عملکرد سلبی یعنی تلاش برای کاهش توانایی رقیب موازنه را حفظ کنند؛ از این جهت، موازنه قوا تلاشی خواهد بود بر ضد قدرت هژمون برای تأمین امنیت (Levy & William.R, 2005:1). در این الگو، افزون بر طرفین موازنه، نقش دیگر مرتبط با قدرت بزرگی است که تلاش می‌کند با قرارگیری در برابر هر یک از رقبای مانع از برهم خوردن موازنه و ایجاد بی‌ثباتی در سیستم شود. در این شرایط، حرکت برای موازنه علیه یکی می‌تواند منجر به قدرت یافتن دیگری شود و موازنه‌کننده‌ها فرصت استراتژیک را برای هژمون‌های بالقوه مشتاق فراهم می‌کنند (Little, Kaufman, Wohlforth, 2007:14).

این الگو اگرچه بیانگر رفتار دولت‌ها در هر دو سطح ملی و جهانی است؛ افزایش نقش مناطق در سیاست بین‌الملل معاصر و ارتباط اندام‌وار نظم‌های منطقه‌ای با ثبات یا پر آشوب با ثبات و نظم سیستمی در سطح جهانی، پیگیری الگوی موازنه قدرت در مناطق نیز اهمیتی فزاینده یافته است؛ به همین خاطر، با توجه به چندجانبه بودن مفهوم موازنه قدرت، تعریف موازنه‌سازی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای از طرفی می‌تواند به نحو قابل توجهی از ابهامات مفهومی و عملیاتی در این حوزه بکاهد. از طرف دیگر، همگام با اقتضات نظام بین‌المللی تک-چندقطبی پساجنگ سرد باشد. هدلی بول، نظریه‌پرداز سیاست بین‌الملل، معتقد است که برای شناخت نحوه اثرگذاری موازنه‌گرایی در نظام بین‌الملل ابتدا باید سطح موازنه را به لحاظ جهانی و منطقه‌ای تشخیص داد و در ادامه ویژگی‌ها و الزامات بروز و ظهور استراتژیک در هر یک از سطوح را بررسی کرد (Eksi, 2017:135-137).

این الگو سازی موازنه‌ای از دو رهگذر در سطح منطقه قابل تبیین است؛ در یک سطح موازنه‌ای است که میان دولت‌های رقیب در منطقه انجام می‌شود. این دولت‌ها با هدف جلوگیری از شکل‌گیری جاه‌طلبی هژمونیک در منطقه یا اجتناب از ضعیف جلوه کردن در برابر رقیب دست به موازنه می‌زنند یا توانایی‌های اقتصادی و نظامی خود را ارتقا می‌دهند یا از طریق

انتلاف‌سازی منطقه‌ای یا همراهی با یک قدرت مداخله‌گر و بزرگ خارج از منطقه در مسیر موازنه‌سازی گام برمی‌دارند. در این راستا، مناطق بسته به اهمیت ژئوپلیتیک یا ژئواکونومیک خود ممکن است یک یا ترکیبی از این روش‌ها را در پیش گیرند؛ چنان‌که در منطقه خاورمیانه یا زیرسیستم خلیج فارس به دلیل تنوع کنشگران، تنوع طیف منافع و قدرت‌های مداخله‌گر مختلف (آمریکا، روسیه و چین) تنوعی از روش‌های فوق‌مورد بهره‌برداری قرار گیرد و از رهگذر آن هم قدرت‌ها و دولت‌های منطقه و هم قدرت‌های بزرگ اولویت‌ها و منافع خود را تعقیب کنند.

افزایش قدرت چین موجب شده این کشور با سایر بازیگران نظام بین‌الملل به‌خصوص آمریکا رقابت کند؛ رقابتی با ویژگی اقتصادی و خلاف دیپلماسی سنتی فضای بین‌الملل؛ چینی‌ها برای برقراری روابط باثبات و بدون تنش با کشورهای جهان به‌وضوح اعلام کرده‌اند که تمایل به عضویت در هیچ‌یک از سازمان‌های نظامی منطقه‌ای را ندارند، اما از حضور در سازمان‌های اقتصادی فراگیر استقبال می‌کنند. در واقع دیپلماسی اقتصادی چین در سطح جهانی و منطقه‌ای بر موازنه‌گرایی هوشمند و نرم بنا شده است. برای مثال مشارکت‌های استراتژیک و سیاسی چین با سایر کشورها در سال‌های اخیر عمدتاً مبتنی بر توازن نرم علیه هژمون و سایر قطب‌های قدرت منطقه‌ای بوده است. چین در کنار اینکه در حال موازنه نرم علیه ایالات متحده آمریکا است، در سطوح منطقه‌ای نیز در حال موازنه‌سازی در مقابل قدرت‌هایی نظیر هند و پاکستان است. افزایش قدرت نظامی چین برای هند الزامات امنیتی به‌همراه دارد و روابط چین با پاکستان برای هند بسیار حائز اهمیت است. تلاش چین برای کسب نفوذ در آسیای جنوبی به‌مثابه یک نیروی محرکه رشد اقتصادی و همگرایی و همچنین اتخاذ دیپلماسی اقتصادی چین در غرب آسیا و کشورهای خلیج فارس، نفوذ ژاپن، هند و ایالات متحده را به‌چالش کشیده است. این کشور با رویکرد فعال سیاست خارجی و حرکات غیرتهدیدآمیز، که با منافع امنیتی و اقتصادی منطقه سازگار است، برای کاهش ترس کشورهای طرف مذاکره خود از جمله ایران تلاش‌های بسیاری کرده است (Gohiselli, Giuffrida, 2021: 12-14).

از آنجاکه از دیرباز تاکنون خلیج فارس همواره با دغدغه‌های امنیتی روبه‌رو بوده و امنیت این منطقه همواره به نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ گره خورده، تاکنون یک امنیت بومی منطقه‌ای و استوار شکل نگرفته است و با خروج انگلستان، این منطقه

شاهد حضور امنیتی نیروهای نظامی آمریکایی بوده است. این در حالی است که ایران این نظم آمریکامحور را در سالیان متمادی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به چالش کشیده است. اهمیت زیرسیستم خلیج فارس به لحاظ استراتژیک و انرژی موجب شده در سال‌های اخیر قدرت‌های مختلف دیگری از جمله چین نیز برای نفوذ در این حوزه ابراز علاقه کنند. منافع مرتبط با حوزه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری و تجارت سبب شده چین در دهه‌های اخیر به دنبال گسترش حضور خود در منطقه خلیج فارس باشد و به تدریج حضور سیاسی و فعالیت‌های خود را افزایش دهد. رنالیست‌ها معتقدند در یک منطقه هر چه تعداد بازیگران و قطب‌های قدرت سازنده یک موازنه بیشتر باشد، قدرت‌های بزرگ و کوچک منطقه آزادی عمل بیشتری خواهند داشت؛ به همین خاطر، حضور چین در خلیج فارس می‌تواند فرصت‌های مهم و تازه‌ای برای کشورهای منطقه جهت تأمین منافع و افزایش نیازهای امنیتی خود باشد.

چین با ایجاد موازنه منطقه‌ای بین کشورهای منطقه و اتخاذ سیاست‌های همکاری جویانه با ایران، اسرائیل، امارات، عربستان و قطر به دنبال دستیابی به موقعیتی مناسب در خلیج فارس است. از طرفی حضور آمریکا در خلیج فارس یک عامل تهدیدکننده برای امنیت انرژی چین به حساب می‌آید. چین اما آمریکا را خطری می‌داند که اگر از راه رویکرد تعامل‌گونه با آن جلو برود به میزان زیادی می‌تواند از اثرات تخریبی حضور این قدرت در خلیج فارس کم کند. گال لافت، متخصص مسائل چین، معتقد است که این کشور باید سیاستی خنثی و بی‌طرفانه در خاورمیانه و خلیج فارس برگزیند، زیرا ارتباطات این کشور با دولت‌های منطقه‌ای دشمن آمریکا می‌تواند روابطش را با واشنگتن دچار چالش کند. (Elbassoussy, 2019: 162)

تفاوت نقش‌آفرینی چین با آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس آن است که آمریکا در طول سال‌های متمادی در ایجاد توازن میان دوگانه‌های متضاد منطقه جانبدارانه عمل کرده است. برای مثال در بحث حمایت از دو قدرت منطقه‌ای عربستان و ایران همواره طرف دولت سعودی را گرفته؛ این در حالی است که چین در اتخاذ راهبردهای سیاست خارجی در منطقه به این نکته دقت داشته که برای حفظ توازن و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های انرژی و اقتصادی زیرسیستم خلیج فارس باید همواره رضایت دولت‌های حاضر در موازنه را کسب کند. چین در راستای موازنه‌سازی منطقه‌ای از ابزار دیپلماسی مشارکتی به جای ابزار اتحاد و ائتلاف استفاده می‌کند. رویکرد مشارکتی راهبرد این‌گونه است که با کاهش

تعهدات طرفین نگرانی‌ها نیز از روابط چندجانبه کاهش می‌یابد و طرفین راغب هستند در حوزه‌هایی که منافع مشترک دارند با هم همکاری کنند بنابراین این نوع همکاری علی‌القاعده هدف محور است نه تهدید محور. چین در این سیستم سعی می‌کند توازن منطقه را بدون حضور نظامی مستقیم بلکه با استفاده از روش‌های دیپلماتیک و اقتصادی حفظ کند؛ به بیان دیگر، چین موازنه نفوذ را جایگزین موازنه قوای نظامی کرده و با حذف هزینه‌های گزاف به دنبال پیشبرد اهداف خود در منطقه است و تلاش می‌کند غیرمستقیم نفوذ ایالات متحده را در منطقه کاهش دهد و موازنه قوای منطقه را به ضرر آمریکا تعدیل کند؛ ابتدا با حمایت از نظام‌های سیاسی ضد غربی سپس با بهره‌گیری از ترتیبات جهانی و نهادی منطقه‌ای موجود.

۴. شاخص‌های دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس

از دهه ۱۹۹۰، هم‌زمان با فروکش کردن رقابت‌های جنگ سرد و نیز تغییر رویکرد مقام‌های چینی از نگاه ایدئولوژیک به نگاهی عمل‌گرا زمینه برای توسعه و تعمیق روابط چین با زیرسیستم خلیج فارس بیش از پیش مهیا شده است. مصادیق این توسعه روابط با تأکید بر دیپلماسی اقتصادی را می‌توان در قالب محورهای زیر مورد توجه قرار داد.

انرژی

خلیج فارس به‌عنوان گلوگاه انرژی کشورهای توسعه‌یافته، یکی از مناطق مهم دنیا به حساب می‌آید و از دید ژئواکونومی، انرژی موجود در منطقه خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس بسیار ارزشمند است و در گذر زمان و حتی با پیدایش مفهوم و فرایند جهانی شدن و جهانی‌سازی نه تنها از اهمیت این منطقه و نیاز به انرژی‌اش کم نشده، بلکه افزایش تقاضا در راستای انباشت سرمایه و افزایش مصرف، افزایش عرضه را گریزناپذیر کرده است. در نظریات مطرح در دیدگاه ژئوپلیتیک، مکیندر و اسپایکمن معتقدند تسلط بر خاورمیانه و خلیج فارس می‌تواند به‌مثابه تسلط بر کل جهان باشد. خاورمیانه و خلیج فارس با موقعیت منحصر به فرد خود نزدیک به ۶۰ درصد از ذخایر نفتی و ۴۰ درصد ذخایر گازی جهان را در خود جای داده‌اند (Soltani, Beh-manesh, 2011) که همه این موارد نشان می‌دهد این منطقه اهمیت زیادی در معادلات قدرت جهانی دارد. ایران و عربستان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌آیند؛ جدول ۱ میزان ذخایر نفتی هریک از کشورهای خلیج فارس را نشان داده است.

جدول ۱: ذخایر اثبات شده نفت در شش کشور حوزه خلیج فارس و چین

کشور	میزان ذخایر نفتی تا ۲۰۲۱ (واحد میلیارد بشکه)
عربستان	۲۶۷/۱۹۲
ایران	۲۰۸/۶۰۰
عراق	۱۴۳
کویت	۱۰۱/۵۰۰
امارات متحده	۱۱۱
قطر	۲۵/۲۰۰
چین	۲۶/۴۹۰

Source: CIA-World Fact Book, 2022

چین برای ایجاد سازکارهای جدید در راستای تسهیل توسعه اقتصادی چین و خلیج فارس، در دیپلماسی اقتصادی خود به دنبال ایجاد راهکارهای کارآمد متناسب با ساخت سیاسی و تجاری منطقه خلیج فارس است تا در کنار این اقدامات بتواند اصلی ترین نیاز خود را، که تأمین منابع انرژی است، تضمین کند. در این راستا، چین استراتژی سه وجهی را در منطقه خلیج فارس دنبال می کند که وجوه آن عبارت است از: ۱. به کارگیری دیپلماسی فعال برای برقراری مناسبات زیربنایی ارتباط با کشورهای دارنده انرژی برای تضمین عرضه درازمدت این ماده؛ چنان که موافقت نامه همکاری استراتژیک نفتی^۱ چین و عربستان در سال ۱۹۹۹ را می توان یکی از نتایج این دیپلماسی دانست؛ ۲. فراهم کردن شرایط لازم برای حضور شرکت های نفتی چینی در سرمایه گذاری و توسعه میدان های نفتی و ۳. تشویق سرمایه گذاری متقابل شرکت های نفتی در بخش پالایشگاهی و بازار انرژی چین تا آنجا که به خلیج فارس مربوط می شود. چینی ها در بحث انرژی روی دو کشور ایران و عربستان در منطقه تمرکز کرده اند و برقراری روابط عمل گرایانه با هر دو کشور در همین راستا قابل تفسیر است. چین در سال ۲۰۲۲، اولین واردکننده نفت عربستان بوده (OEC, 2024) و عربستان در سال ۲۰۲۳ با فروش ۸۷ میلیون تن نفت خام به چین، دومین تامین کننده این انرژی (بعد از روسیه با ۱۰۷ میلیون تن) برای چین بوده است (Nadig, 2024).

۱. Strategic oil cooperation agreement: این موافقت نامه مهم ترین نتیجه اولین سفر جیانگ زمین، رئیس جمهوری وقت چین به عربستان بود که در سال ۱۹۹۹ به امضا رسید. امضای این توافق نامه نقشی کلیدی در تقویت روابط دو کشور در حوزه انرژی داشت، چنان که ضمن مجاز کردن سرمایه گذاری شرکت های نفتی چینی برای سرمایه گذاری در عربستان این امکان را مهیا کرد تا شرکت های سعودی نیز در بخش پالایشگاهی چین سرمایه گذاری کنند (Fulton, ۲۰۲۰: ۶).

تجارت و سرمایه‌گذاری

افزون بر حوزه انرژی، ظرفیت‌های جمعیتی، بازارهای بزرگ مصرفی و نیز منابع عظیم سرمایه‌گذاری سبب شده است زیرسیستم خلیج فارس یک هدف جذاب تجاری و سرمایه‌گذاری برای چین باشد. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، شاخص تولید ناخالص داخلی چین با متوسط ۱۰ درصد رشد کرده و سهم چین از تولید ناخالص جهانی افزایش چشمگیری یافته است. در سال ۱۹۹۲، از مجموع ۲۲.۸ تریلیون دلار تولید ناخالص جهان تنها دو درصد، از آن چین بوده، این در حالی است که این نسبت در سال ۲۰۱۵ به ۱۵ درصد از مجموع ۷۴/۱ تریلیون دلاری تولید ناخالص جهان رسیده بود. (Gou, Lu, Yu, 2018:23) شاخص‌های رشد اقتصادی چین تا سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که این کشور در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی در مقایسه با آمریکا، بزرگ‌ترین رقیب وی، به مراتب وضعیت بهتری داشته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این کشور تا سال ۲۰۴۰، نزدیک به ۴۰ درصد از کل تولید ناخالص جهان را در اختیار خواهد گرفت. (Gou, Lu, Yu, 2018:23) نمودار ۱ درصد تغییر سالانه رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد.



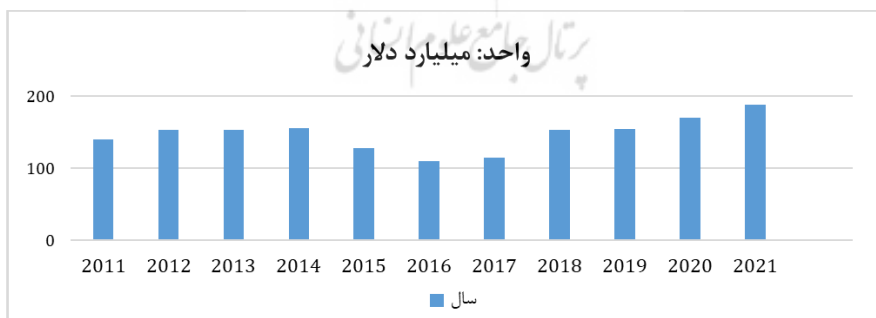
نمودار ۱: درصد تغییر سالانه رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا از سال ۲۰۲۲-۱۹۸۰-۲۰۲۲

همچنین در نمودار ۲، درصد تغییر سالانه رشد تولید ناخالص داخلی چین برای مقایسه آورده شده است.



نمودار ۲: درصد تغییر سالانه رشد تولید ناخالص داخلی چین از سال ۱۹۸۰-۲۰۲۲ IMF, 2022

رشد اقتصادی چین در طول سه دهه گذشته پیامدهایی استراتژیک را برای کشورهای حاشیه خلیج فارس در حوزه صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دنبال داشته است. به‌طور میانگین تجارت خارجی چین بعد از سیاست درهای باز ۱۹۷۸ شاهد رشد سالیانه ۱۷ درصدی بوده و این رقم تا سال ۲۰۱۱ به ۱.۹۰ تریلیون دلار رسیده که نشانگر رشد ۱۴۳ برابری حجم تبادلات اقتصادی نسبت به سال ۱۹۷۹ است (Taghizadeh Ansari, 2016). به‌طور کلی، در تجارت دوطرفه چین با کشورهای خلیج فارس پنج کشور عربستان، ایران، قطر، کویت و عمان دارای تراز تجاری مثبت و دو کشور بحرین و امارات دارای تراز تجاری منفی هستند. نمودار ۳ حجم تجارت چین و خلیج فارس را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد.



نمودار ۳: حجم تجارت چین و خلیج فارس 2021, Trade map

فرا تر از مسائل مذکور، روابط چین و کشورهای خلیج فارس در ابتکار منطقه ای تازه ای گنجانده می شود که در سال ۲۰۱۴ در افتتاحیه مجموعه همکاری دولت های چین و عرب به عنوان ابتکار کمربند و جاده اعلام شد (Yu, 2017:357). برای تحقق چشم انداز همکاری بین چین و کشورهای حاضر در این طرح بانک سرمایه گذاری در زیر ساخت آسیا در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. سرمایه اولیه این بانک ۵۰ میلیارد دلار بود که در سال های اخیر به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است (OECD, 2018). عضویت و سرمایه گذاری در این بانک برای کلیه دولت ها آزاد بود و تا اوایل سال ۲۰۱۶ شش کشور از کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز به آن پیوستند. جدول ۲ میزان سرمایه گذاری کشورهای خلیج فارس در این بانک را نشان می دهد.

جدول ۲: میزان سرمایه گذاری و درصد سهام کشورهای خلیج فارس در بانک سرمایه گذاری زیر ساخت آسیا

کشور	میزان سرمایه گذاری (واحد: میلیون دلار)	درصد از کل سهام
عربستان	۲۵۴/۴۶	۲/۵۹
ایران	۱۵۸/۰۸	۱/۶۱
امارات	۱۱۸/۵۷	۱/۲۱
قطر	۶۰/۴۴	۰/۶۲
کویت	۵۳/۶۰	۰/۵۵
عمان	۲۵/۹۲	۰/۲۶
چین	۲/۹۷۸	۳۰/۳۴

Source: Asian Infrastructure Investment Bank, 2022

در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران در سال های اخیر به واسطه تحریم های بین المللی و شرایط نامناسب اقتصادی، در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی چندان موفق نبوده است. حدود ۳۷ درصد از کالاهای صادراتی ایران اعم از نفتی و غیر نفتی (به ارزش ۱۱/۵ میلیارد دلار) در سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) مستقیم به کشورهای واقع در کریدور ابتکار کمربند و جاده صادر شده است. علاوه بر این، حدود ۳۸ درصد از نیازهای وارداتی ایران به ارزش تقریبی ۱۳ میلیارد دلار نیز مستقیم از طریق شش کشور واقع در کریدور ابتکار کمربند و جاده شامل قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ترکیه تأمین می شود. همچنین براساس آخرین آمار در سال

۲۰۱۸، میزان تبادلات تجاری ایران با کشورهای واقع در کریدور این کمربند، در بخش صادرات ۵۹ درصد و در حوزه واردات ۳۸ درصد بوده است. با عنایت به اینکه در سال ۲۰۱۸، تعداد ۶۵ کشور دارای شرایط عضویت در ابتکار کمربند و جاده بودند و در سال ۲۰۲۱، تعداد کشورها به ۱۴۰ افزایش یافته است، شاخص مبادلات تجاری در صادرات بیش از ۶۵ و در واردات نیز بیش از ۴۵ درصد تخمین زده می‌شود (Moradi Haghighi, Aziznejad, 2021).

در مجموع با توجه به شاخص‌های دیپلماسی اقتصادی چین در منطقه خلیج فارس به نظر می‌رسد که چین در این سال‌ها تغییرات چشمگیری برای گذار از حوزه‌های امنیتی به ترجیحات اقتصادی داشته است و توسعه همکاری‌های اقتصادی چین با این منطقه طی این سال‌ها نشان از تأکید پکن بر حوزه ژئواکونومیک خلیج فارس به جای حوزه ژئوپلیتیک دارد؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در پرتو رقابت‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از ابزار موازنه‌سازی تسهیل شده است.

۵. بسترهای رقابتی دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس

اهمیت کانونی کشورهای حاشیه خلیج فارس برای چین و حفظ روابط راهبردی با کشورهای این منطقه به گونه‌ای که منجر به تحریک دوگانه‌های موجود در منطقه نشود، موجب شده چین سیاست‌های جداگانه‌ای برای حفظ روابط خود با هر کدام از دولت‌های درون منطقه‌ای و خارجی تنظیم کند.

۵-۱. چین و رقابت‌های درون منطقه‌ای

بررسی روابط چین و خلیج فارس حاکی از تلاش این کشور برای ایجاد موازنه میان دوگانه‌های منطقه‌ای از جمله رقابت ایران و عربستان، رقابت ایران و امارات و رقابت بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است.

ایران و عربستان

چین به عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی آسیا در آغاز هزاره سوم، تحقق دو محور مهم انرژی و امنیت را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده است. در بحث انرژی، پکن همواره تمرکز ویژه‌ای بر منطقه خلیج فارس داشته است و ایران و عربستان به عنوان ستون‌های دیپلماسی نفتی چین در منطقه شناخته می‌شوند که بیشترین ذخایر گازی و نفتی را در اختیار دارند. ایران و

عربستان دو رقیب قدیمی در خلیج فارس و غرب آسیا محسوب می‌شوند و همواره مایل به ایجاد یک موازنه بیرونی علیه یکدیگر هستند. به همین جهت نه تنها همکاری با قدرت‌های بزرگ ابزاری کارآمد برای تهران به حساب می‌آید، ممانعت از تعمیق روابط با شرکای استراتژیک نیز برای طرف مقابل اهمیت دارد. برای مثال عربستان سعودی هیچ‌گاه از حل اختلافات ایران و ایالات متحده و اتحادیه اروپا خشنود نبوده و به همکاری‌های ایران و چین نیز حساسیت نشان می‌دهد، اما چین با ترکیب رویکردهای اقتصادی دیپلماتیک و سازمانی تلاش کرده به رابطه طرفین قدرت منطقه آسیب نرساند و در عین حال بتواند روابط استراتژیک خود را با هر دو قدرت ادامه دهد؛ مانند امضای سند جامع همکاری راهبردی میان چین و عربستان در سال ۲۰۱۶ و ایران در سال ۲۰۲۰. پکن برای پیشبرد این رویکرد و تأمین امنیت نفتی خود رویکردهای متفاوتی را در پیش می‌گیرد. برای مثال چین در واقعه توقیف نفت‌کش‌های خارجی توسط ایران در سال ۲۰۱۹ و حمله پهبادی به تأسیسات نفتی عربستان، برخلاف آمریکا و اتحادیه اروپا، ایران را متهم نکرد؛ حتی در بازه زمانی تحریم‌های ایران با توجه به اینکه چین ۴۴ درصد از نفت وارداتی خود را از خلیج فارس وارد می‌کند سیاست دور زدن تحریم‌ها و خرید حداقلی نفت از ایران را در پیش گرفت تا با انعطاف در مقابل تهران، خطر تهدیدات ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز و توقف ترانزیت انرژی به سمت چین را کم کند (Loft, Curtis, Ward, 2022:14)، اما چین فعلاً نمی‌تواند وزن عربستان را به‌عنوان شریک ایالات متحده در تعاملات سیاسی اش تغییر دهد و اصولاً روابط عمیق‌تری را با عربستان دنبال می‌کند. برای مثال حجم سرمایه‌گذاری چین با عربستان سعودی تا سال ۲۰۲۲، حدود ۴۰ میلیارد دلار بوده؛ این در حالی است که این رقم در جمهوری اسلامی ایران حدود ۲۶ میلیارد دلار بوده است بنابراین اگرچه چین تلاش می‌کند اختلافات ایران و عربستان تأثیر منفی در رابطه بین دو کشور نداشته باشد؛ فشارهای ساختاری امکان بازی فعالانه در این منطقه را به چین نمی‌دهد (Fallahi, 2020).

در یک نظم منطقه‌ای به‌شدت رقابتی در خلیج فارس، فرض غالب این است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای نمی‌توانند بدون چهارچوب در منطقه ایفای نقش کنند، از این‌رو، در نهایت آن‌ها باید روابط خود را منحصر به یک طرف رقابت کنند، با وجود این، تعامل پکن در منطقه خلیج فارس، رویکردهای متعارف نظام بین‌الملل را با سردرگمی مواجه کرده است. تعامل پکن با ایران و عربستان و هم‌زمان با حضور آمریکا در منطقه فرصت استراتژیک خاصی را در اختیار چین قرار داده است؛ تعامل چین در منطقه به معنای بی‌طرفی نیست، بلکه نوعی موازنه‌سازی منطقه‌ای

به نفع منافع چین است. بنابر گزارش ۲۰۱۹ پترولیوم اکونومیست، چین به دنبال برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری در ایران طی چند سال آینده بوده است؛ این همکاری منجر به تعمیق قابل توجه روابط دوجانبه ایران و چین خواهد شد که پیامدهای جدی برای نظم منطقه‌ای خلیج فارس دارد. همچنین ایالات متحده و شرکای آن را در منطقه متأثر خواهد کرد و به گزارش نیویورک تایمز این همکاری می‌تواند نقاط اضطرابی جدید و بالقوه خطرناکی در روابط ایالات متحده و چین ایجاد کند، زیرا چین را به جایگاهی در منطقه می‌رساند که دهه‌ها دغدغه استراتژیک ایالات متحده بوده است. (Fulton, 2021: 204) انتشار هم‌زمان این سند همکاری با تلاش‌های ایالات متحده برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران این پیام را به نظام بین‌الملل مخابره می‌کند که پکن به‌طور فعال خواهان تضعیف سیاست‌های ایالات متحده در خلیج فارس با به‌کارگیری استراتژی موازنه نرم است و مایک پمپئو، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، تأکید کرد که با این شرایط اگر تحریم‌ها علیه ایران برداشته شود، چین و روسیه با فروش تسلیحات به ایران می‌توانند محور نوظهوری از قدرت‌های تجدیدنظرطلب را در منطقه فعال کنند که نظم امنیتی منطقه خلیج فارس را تهدید خواهد کرد. رزمایش دریایی سه‌جانبه چین، روسیه و ایران برای اولین بار در سال ۲۰۱۹ نیز مؤید نگرانی‌های آمریکا در این زمینه شد، اما تحلیلگران معتقدند علی‌رغم اهمیت مشارکت چین، این همکاری‌ها نمی‌تواند مهم‌تر از همکاری چین با کشور عربستان و سایر کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس باشد و نتیجه می‌گیرند که حضور چین در خلیج فارس به نفع ایران نیست، زیرا چین مجبور است برای حفظ روابط خود با ایالات متحده به آن‌ها اطمینان دهد که حضور آن‌ها در خلیج فارس به‌گونه‌ای توسعه خواهد یافت که از ترجیحات آن‌ها برای نظم منطقه حمایت کند. (Fulton, 2021: 205) نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم همکاری‌های عربستان و چین، ایالات متحده آمریکا همچنان قوی‌ترین متحد عربستان و شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۰۵ و قبل از مرگ ملک عبدالله بود و با روی کار آمدن ملک سلمان، تحرک‌هایی از جانب عربستان برای ابراز نارضایتی به ایالات متحده در اعتراض به تلاش برای توافق هسته‌ای با ایران در دولت او با ما صورت گرفت و چین توانست از رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و عربستان به نفع سیاست‌های خود استفاده کند. از طرف دیگر، عربستان به‌علت سیاست‌های موازنه‌گرایانه چین در منطقه نمی‌تواند پیوندهای عمیق با پکن برقرار کند، زیرا برخلاف آمریکا که همواره علیه ایران در منطقه بوده است، پکن تهران را شریک خود می‌داند و در بسیاری از مسائل به نفع

ایران در منطقه موضع گیری کرده است (Scobell, Nader, 2016: 33-36). با این حال، از دید عربستان چین می تواند هم وزنه ای در برابر گریز امنیتی آمریکا از تعهدات خود در منطقه باشد و هم یک راهکار جذاب برای تحقق ایده های اقتصادی بن سلمان در آینده. از همین رو، چین و عربستان در این سال ها توافق نامه های بزرگی در زمینه پالایشگاه های نفتی و پتروشیمی، انرژی هسته ای، تجارت و سرمایه گذاری امضا کرده اند؛ از جمله پروژه های احداث پالایشگاه نفت استان شاندونگ توسط اکسون موبیل آرامکو و سینوپک در سال ۲۰۰۰، احداث پالایشگاه استان فوجیان در سال ۲۰۰۸ توسط سینوپک و آرامکو، توافق نامه ساخت مجتمع ذخیره سازی نفت در جزیره هاینان، همکاری های دوجانبه هسته ای در سال ۲۰۱۲، ساخت چند میلیارد دلاری کارخانه آلومینیوم در عربستان توسط چین در سال ۲۰۰۶، احداث پروژه سیستم حمل و نقل انبوه در مکه به ارزش یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۹، تجارت و سرمایه گذاری در بانک توسعه و زیرساخت آسیا و پیوستن به طرح کمربند و جاده چین در سال ۲۰۱۶. (Yazdanshenas, 2021).

با توجه به مجموعه این عوامل، عربستان تلاش می کند از طریق مذاکره با ایران به مجموعه ای از اهدافی برسد که بیشتر آن ها با مسائل و مشکلات امنیتی این کشور در ارتباط هستند. در چنین شرایطی پکن توانسته با ایجاد تعادل بین وزنه امنیتی و اقتصادی در منطقه، طیفی از روابط طبقه بندی شده را با دو قطب قدرت در این زیرسیستم دنبال کند که یکی از آن ها منافع امنیتی چین و دیگری منافع اقتصادی آن را تأمین می کنند؛ یک موازنه سازی منطقه ای در ظاهر بی طرفانه که بستر را برای نفوذ هرچه بیشتر چین در خلیج فارس فراهم می کند، چنان که میانجی گری چین در احیا و از سرگیری روابط تهران و ریاض در سال ۲۰۲۳ در همین راستا قابل تفسیر و بررسی است.

ایران و امارات

روابط ایران و دولت های عربی از موضوعات مهم سیاست خارجی ایران به شمار می رود؛ از میان این کشورها امارات متحده عربی جایگاه ویژه ای دارد، زیرا دومین اقتصاد بزرگ جهان عرب و یکی از ثروتمندترین کشورهای حاشیه خلیج فارس است. این کشور در روابط با ایران شرایط خاصی دارد. علی رغم قرابت های اقتصادی، در کمتر موضوع سیاسی، منطقه ای و جهانی است که ایران و امارات با یکدیگر همسو باشند، بلکه به شدت در مسائل سیاسی دارای تعارض منافع هستند. (Abbasi, Khosravi, 2019).

ژئوپلیتیک خاص منطقه خلیج فارس این فرصت را فراهم کرده که امارات و ایران علی رغم

مسائل و مشکلات سیاسی همکاری‌های اقتصادی خود را تا حد ممکن حفظ کنند. یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در این پیوند اقتصادی در ضمن واگرایی سیاسی، ساخت اقتصادی متفاوت فدراسیون عربی امارات است. رقابت‌های ابوظبی و دبی در سیاست‌های داخلی موجب شده هرکدام برای دستیابی به منافع خود در منطقه استراتژی متفاوتی را در برابر ایران به کار گیرند. در حوزه سیاست خارجی دبی به سمت ایران و ابوظبی به سعودی‌ها گرایش بیشتری دارد. اقتصاد دبی بر پایه توریسم و اقتصاد ابوظبی بر پایه نفت بنا شده است. امارت دبی علی‌رغم تحریم‌ها در سال ۲۰۱۷، بالغ بر ۱۷ میلیارد دلار مبادلات تجاری رسمی با ایران داشته و در سال ۲۰۱۸ این رقم به بالاتر از ۱۲ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که امارت ابوظبی روابط تجاری خود را با ایران بر پایه سیاست‌های غرب در منطقه تنظیم می‌کند. به‌طور کلی، روند تجاری بین ایران و امارات از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند و در موقعیت‌های مختلف فراز و فرودهای بسیاری در تعاملات اقتصادی این دو کشور مشاهده شده است. (Abbasi, Khosravi, 2019:54) آمار جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که وقوع همه‌گیری کرونا و تغییرات ایجاد شده در مناسبات قدرت‌ها با منطقه خلیج فارس در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۹ نوسان‌های چشمگیری را در داده‌های تجاری ایران و امارات ایجاد کرده است.

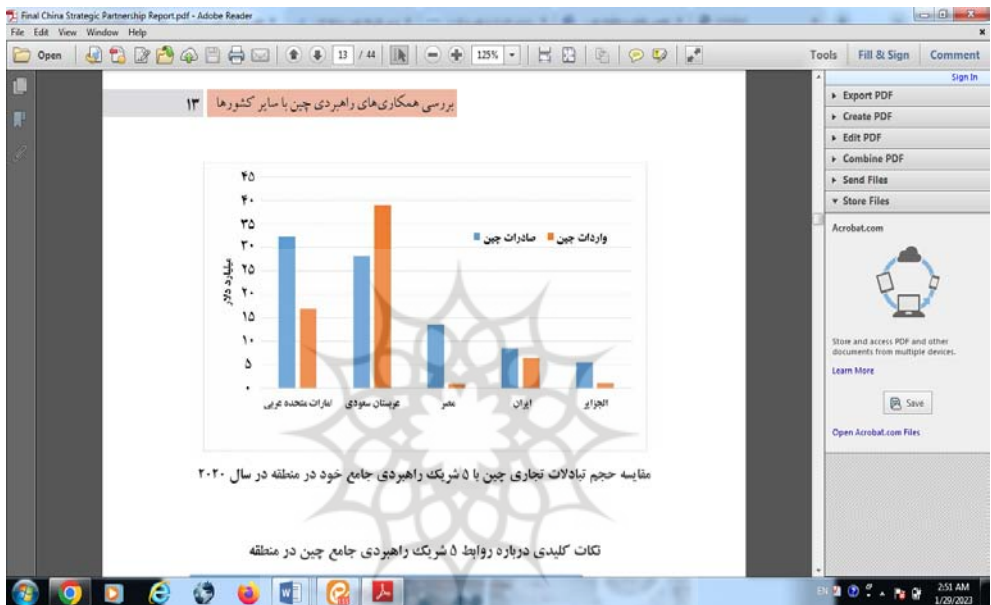
جدول ۳: میزان صادرات و واردات ایران و امارات (واحد: میلیارد دلار)

سال	صادرات امارات به ایران	سال	صادرات ایران به امارات	سال	واردات ایران از امارات	سال	واردات امارات از ایران
۲۰۱۹	۷,۰۸۴	۲۰۱۹	۱,۳۹۳	۲۰۱۹	۸,۹۷۰	۲۰۱۹	۱,۲۳۵
۲۰۲۰	۴,۵۳۴	۲۰۲۰	۱,۲۰۶	۲۰۲۰	۹,۷۵۳	۲۰۲۰	۳۵۸
۲۰۲۱	۶,۵۸۱	۲۰۲۱	۴,۹۲۸	۲۰۲۱	۱۶,۵۲۳	۲۰۲۱	۳۶۱

Source: TradeMap.2022

در طی دو دهه اخیر، مسائل و مشکلات موجود در رقابت‌های منطقه‌ای میان دو کشور، امارات پایگاه تجاری و درگاه اقتصادی مطمئنی برای ایران محسوب می‌شود و ایران طی سال‌های اخیر تلاش کرده از طریق گفت‌وگو و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز روابط فی‌مابین را توسعه دهد. این تعامل تجاری همچنین برای امارات ارزش افزوده بسیاری به همراه دارد، زیرا اغلب مبادلات دو کشور از طریق صادرات مجدد انجام می‌شود که بعد از تحریم‌های اقتصادی سبب رشد ۳۴ درصدی ارزش صادراتی امارات به ایران شده است. از طرف دیگر، حجم مبادلات اقتصادی چین

وامارات در سال‌های اخیر به‌ویژه در سال گذشته حاکی از آن است که رقابت‌های میان ایران و امارات منجر به افزایش چشمگیر حجم تجارت چین با امارات متحده عربی شده است و پکن دست‌کم توانسته در این شرایط اهداف خود را دنبال کند. در نمودار شماره ۴ این موضوع به‌وضوح قابل مشاهده است.



نمودار ۴: مقایسه حجم تبادلات چین با امارات متحده عربی و ایران تا سال ۲۰۲۱

Presidential Center for Progress and Development, 2021

امارات متحده عربی دومین شریک تجاری چین در جهان عرب و بزرگ‌ترین بازار صادراتی این کشور در منطقه است. این کشور دروازه مهمی برای ورود چین به بازارهای آسیای غربی و شمال آفریقا به‌شمار می‌رود و بیش از ۶۰ درصد از تجارت چین با غرب آسیا از طریق امارات متحده عربی انجام می‌شود. امارات متحده عربی اولین توافق همکاری خود را با چین در سال ۲۰۱۲ در سطح مشارکت راهبردی امضا کرد. در واقع سطح روابط دو کشور در سال ۲۰۱۸ به مشارکت راهبردی جامع ارتقا یافت که این امر از منظر چین حاکی از اهمیت ویژه اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای این کشور در نظام بین‌المللی است. وزیر امور خارجه چین در سال ۲۰۲۱ در دیدار با

پادشاه امارات بر گسترش همکاری‌ها و هماهنگی بیشتر در طرح یک کمر بند یک جاده چین تأکید کرد و برای مشارکت چین در اجرای چشم‌انداز ۵۰ ساله توسعه امارات متحده عربی و نیز تعمیق همکاری‌های عملی در حوزه‌های متعدد مانند انرژی، امور مالی و فناوری‌های پیشرفته اعلام آمادگی کرد. توافق برای راه‌اندازی کارخانه تولید واکسن کرونای شرکت چینی سینوفارم در منطقه صنعتی خلیفه ابوظبی با ظرفیت تولید ۲۰۰ میلیون دوز در سال، از جمله دستاوردهای سفر وزیر امور خارجه چین به امارات در سال ۲۰۲۱ محسوب می‌شود. مبادلات تجاری چین و امارات در سال ۲۰۱۹ به ۶۷/۴۸ میلیارد دلار رسید. افزایش حجم مبادلات تجاری دو کشور به ۲۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ از دیگر توافقات میان چین و امارات به‌شمار می‌آید. علی‌رغم اینکه چین بزرگ‌ترین شریک تجاری، بزرگ‌ترین خریدار نفت و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ایران است، اما مقایسه آماری میزان مبادلات تجاری چین و ایران در مقابل امارات نشان از کاهش چشمگیر مبادلات تجاری ایران و چین در سال‌های گذشته دارد. سرمایه‌گذاری چین در ایران بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸، حدود ۲۷ میلیارد دلار بوده که تقریباً معادل نصف حجم تجارت چین با امارات در سال‌های اخیر است. نکته حائز اهمیت این است که چین با توجه به شرایط فعلی ایران و فشارهای وارده از جانب ایالات متحده آمریکا همچنان مناسب‌ترین بستر را برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود در منطقه دنبال می‌کند و از دوگانه موجود بین امارات و ایران توانسته امارات را به‌عنوان شریک اصلی حفظ کند و ایران را نیز به‌مثابه یکی از منابع مهم واردات انرژی‌اش راضی نگه دارد. ایران بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، حدود ۱۱ درصد از واردات نفت چین را تأمین کرده است (Presidential Center for Progress and Development, 2021).

رقابت در شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ و در فضای سیاسی، امنیتی و نظامی جنگ اول خلیج فارس تأسیس شد و بعدها با تغییر روند موضوعات و بحران‌های منطقه‌ای، اعضا به سمت همکاری‌های اقتصادی با یکدیگر رفتند. عوامل مختلفی همچون وسعت سرزمینی، پیوستگی سرزمینی، مؤلفه‌های قومی و دینی و زبانی و سیستم سیاسی مشابه موجب شده این سازه‌ها با وجود اختلافات سیاسی و امنیتی برای حدود سه دهه بتوانند به حیات خود ادامه دهند. هر چند فضای رقابت‌آمیز و توسعه‌طلبانه میان اعضا موجب شده روند همکاری در شورا به‌کندی پیش برود. تمرکز اصلی شورای همکاری خلیج فارس مسائل امنیتی منطقه است، اما روند کلی تصمیم‌گیری‌ها، حاکی از آن است که اعضا در بحث همگرایی‌های اقتصادی موفق‌تر

عمل کرده‌اند تا اجماع روی موضوعات سیاسی و امنیتی. در حوزه سیاسی علاوه بر اختلافات مرزی و ارضی میان اعضا، اختلافات عمیقی نیز میان نگاه همسایگان به موضوعات منطقه‌ای وجود دارد (Yazdanshenas, 2021). کشورهای کوچک شورای همکاری خلیج فارس به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی جمعیتی، که نسبت به عربستان دارند، همواره مجبورند روابط خود با ریاض را مدیریت کنند تا با استفاده از ابزارهای متعدد اقتصادی، سیاسی و نظامی بتوانند استقلال عمل خود را در برابر عربستان حفظ کنند. در میان این پنج کشور، امارات بیشترین رقابت و تلاش را برای حفظ استقلال در برابر عربستان دارد. هر چند ریاض و ابوظبی همکاری‌های تنگاتنگی در زمینه یمن، سوریه و ایران داشته‌اند، اما همیشه کامل با یکدیگر همراه نشده‌اند. یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های رقابتی بین عربستان و امارات مسئله گردشگری است، به‌ویژه در بخش غیرحج و زیارت؛ جایی که گردشگران با درآمد متوسط رو به بالا به دنبال سواحل، استراحتگاه‌ها و ماجراجویی‌های عربی هستند و امارات تاکنون موفق شده عربستان را کنار بزند و به قطب گردشگری تبدیل شود.

از دیگر رقابت‌های مهم و قابل توجه میان دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس رقابت میان بحرین با قطر است. افزایش تنش در روابط دو کشور عربی بحرین و قطر متأثر از بسترها و علت‌هایی است از جمله: ۱- اختلافات مرزی بر سر جزایر حواری، جنان و شهر زبارة ۲- عادی‌سازی روابط بحرین با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن موجودیت رژیم صهیونیستی بر اساس توافق‌نامه ابراهیم ۳- تحریم قطر توسط ائتلاف عربی ۴- حضور نظامی ترکیه در خاک قطر ۵- حمایت قطر از مخالفان آل خلیفه و پوشش گسترده خبری علیه اقدامات سرکوبگرانه آن‌ها در بحرین (Arizi, 2020). یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب نفوذ فزاینده چین در سال‌های اخیر در منطقه خلیج فارس شده نگرانی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از کاهش تعهد ایالات متحده به منطقه است. این کشورها که در برابر بی‌ثباتی به شدت آسیب‌پذیرند، در نتیجه، به‌طور فعال در حال تعمیق مجموعه شرکای فرامنطقه‌ای خود هستند تا با تقویت روابط خود با طیف وسیع‌تری از قدرت‌ها بتوانند موازنه منطقه‌ای را به نفع خود حفظ کنند. چین همان قدرت فرامنطقه‌ای درجه دومی است که توانسته در منطقه خلیج فارس در عین آنکه در وضعیت موجود اختلال ایجاد نکند با توسعه روابط اقتصادی و دیپلماتیک قوی با هر کدام از کشورهای حاشیه خلیج فارس توسعه خود را ادامه دهد. جدول شماره ۴ سطح مشارکت‌های چین با هر یک از کشورهای منطقه را به‌خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۴: سطح مشارکت چین با کشورهای حاشیه خلیج فارس

کشور	نوع	سال
بحرین	ندارد	ندارد
عراق	استراتژیک	۲۰۱۵
کویت	استراتژیک	۲۰۱۸
قطر	استراتژیک	۲۰۱۴
عربستان	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۶
امارات	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۱۸
ایران	مشارکت جامع استراتژیک	۲۰۲۰

Source: Loft, Curtis, Ward, 2022:22

تجارت چین و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بسیار بیشتر از حجم تجارت با ایران است و پکن برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و توسعه در کشورهای شورای همکاری مزیت بیشتری دارد. ردیاب سرمایه‌گذاری جهانی چین متعلق به موسسه امریکن اینترپرایز^۲ (AEI) ارزش مشارکت شرکت‌های چینی در شورای همکاری خلیج فارس را نسبت به ایران در جایگاه بالاتری نشان داده است. جدول شماره ۵ نیز به تفکیک حجم تجارت دوجانبه چین با هر یک از کشورهای حاشیه خلیج فارس را نشان می‌دهد.

داده‌های امریکن اینترپرایز^۳ نشان می‌دهد از زمان طرح کمربند و جاده در سال ۲۰۱۳، ارزش سرمایه‌گذاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با چین، چیزی حدود ۶۵ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که این میزان برای ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ حدود ۲۶ میلیارد دلار ثبت شده است (Fulton, 2021: 8-9). جدول شماره ۶ ارزش قراردادها و سرمایه‌گذاری چین با کشورهای حاشیه خلیج فارس در این سال‌ها را نشان می‌دهد.

2. American Enterprise Institute

3. AEI

جدول ۵: تجارت دوجانبه چین با ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (۲۰۲۱-۲۰۱۰) (واحد: میلیون دلار آمریکا)

سال	بحرین	ایران	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات
۲۰۱۰	۱,۳۵۱	۲۲,۹۳۶	۹,۱۴۵	۱۰,۲۲۰	۴,۳۲۹	۵۱,۱۹۸	۱۷,۷۰۵
۲۰۱۱	۱,۷۶۴	۳۵,۹۹۶	۱۱,۹۳۴	۱۵,۲۸۷	۶,۶۴۹	۷۴,۶۲۹	۲,۷۵۷
۲۰۱۲	۱,۷۲۹	۲۹,۱۰۴	۱۳,۰۸۵	۱۸,۵۹۰	۹,۲۷۶	۸۴,۴۱۳	۴۲,۱۰۳
۲۰۱۳	۱,۸۵۶	۳۱,۰۶۵	۱۳,۰۳۸	۲۱,۶۲۲	۱۱,۱۱۰	۸۲,۵۵۹	۴۸,۳۹۸
۲۰۱۴	۲,۶۱۸	۳۸,۰۵۵	۱۳,۰۳۸	۲۱,۶۲۲	۱۱,۱۱۰	۸۲,۵۵۹	۴۸,۳۹۸
۲۰۱۵	۱,۸۸۶	۲۴,۰۵۳	۱۲,۱۵۲	۱۵,۸۸۳	۹,۰۵۵	۵۷,۸۳۴	۳۳,۴۸۷
۲۰۱۶	۱,۹۶۴	۲۲,۴۹۱	۱۰,۶۶۴	۱۲,۳۶۹	۷,۸۰۶	۴۷,۲۹۷	۳۱,۷۹۸
۲۰۱۷	۲,۷۶۲	۲۶,۸۸۷	۱۳,۹۱۱	۱۵,۶۷۰	۱۰,۶۴۰	۴۵,۵۵۰	۵۹,۷۴۲
۲۰۱۸	۲,۲۰۹	۳۰,۵۹۸	۶,۲۱۷	۲۰,۴۰۸	۱۳,۵۲۵	۵۹,۴۳۴	۵۳,۳۲۶
۲۰۱۹	۲,۱۰۲	۱۹,۲۲۸	۱۷,۱۴۲	۱۶,۵۵۳	۱۲,۵۷۱	۷۸,۸۵۰	۵۵,۲۱۲
۲۰۲۰	۹,۷۳۹	۲,۰۵۰	۷,۱۸۷	۱۲,۵۸۲	۵,۶۷۴	۴۵,۱۷۸	۸۸,۳۳۵
۲۰۲۱	۹,۸۱۳	۱,۷۷۷	۱۳,۳۸۶	۲۵,۰۲۲	۹,۲۴۹	۱۱۵,۲۱۲	۷۷,۶۳۰

Source: (Fulton,2021:8,Trade Map.2022)

جدول ۶: ارزش قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های چین (۲۰۰۵-۲۰۲۰) (واحد: به میلیارد دلار آمریکا)

کشور	بحرین	ایران	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات
ارزش سرمایه	۱,۴۲	۲۶,۵۶	۱۰,۷۵	۵,۸۱	۷,۷۲	۳۶,۶۴	۳۳,۵۳

Source: Fulton,2021:7

بنابراین مشاهده می‌شود که چین در بین انتخاب روابط کارآمد با ایالات متحده و روابط استراتژیک با ایران گزینه اول را انتخاب کرده است و منافع خود را در منطقه خلیج فارس از مسیر ساده‌تر شورای همکاری خلیج فارس دنبال می‌کند.

۲-۵. چین و رقابت‌های قدرت‌های مداخله‌گر منطقه‌ای

موقعیت مهم و حیاتی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و توجه قدرت‌های جهانی طی دو قرن اخیر به این منطقه موجب شده این منطقه همواره بستری برای رقابت قدرت‌های بزرگ و نفوذ و بهره‌گیری از منابع این منطقه ثروتمند باشد.

چین و ایالات متحده آمریکا

طی چند سال اخیر، مسئله خروج یا حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس به چالشی مهم برای این دو قدرت و برخی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. مطابق استراتژی امنیت ملی پیشین ایالات متحده در دوره اوباما، مهم‌ترین تهدیدهای این کشور به ترتیب اولویت عبارت بودند از: ایران، کره شمالی، روسیه، جرایم فراملی و چین؛ اما در ۲۲ آذر ۱۳۹۷، تهدیدات امنیت و منافع ملی آمریکا را به ترتیب چین، روسیه، ایران، کره شمالی، دولت‌های ناپایدار معرفی کردند، بدین صورت که چین از تهدید پنجم در دوران گذشته به تهدید نخست آمریکا تبدیل شده است (Asadi, 2023). آمریکا در همین چهارچوب درصدد تغییرات بزرگ در نحوه استقرار نیروهای دریایی خود از خلیج فارس به سمت مناطق و کشورهایی مثل اقیانوس هند، آرام، ویتنام، مالزی، اندونزی، تایوان، ژاپن، سنگاپور و... است. در شرایطی که آمریکا قصد دارد نیروهای خود را از منطقه خلیج فارس خارج کند و آن‌ها را به مناطق نزدیک به چین انتقال دهد، اتاق فکر راهبردی چین نیز با تحلیل و تفسیر تحولات منطقه خلیج فارس می‌کوشد از راه‌های مختلف از جمله بحران‌زایی سیاسی-امنیتی آمریکا را در این مناطق زمین‌گیر کند. در این راستا، اقداماتی مثل اهمیت دادن به جنگ با تروریسم در منطقه، درگیر شدن با ایران و گروه‌های همسو در منطقه از اقدامات ویژه چین و هم‌پیمانانش است. نکته مهم‌تر این است که چین با علم به اینکه ظهور بحران‌ها در منطقه می‌تواند امنیت انرژی این کشور را نیز به مخاطره افکند تلاش کرده دامنه این بحران‌ها گسترده نشود و مبادی اصلی عرضه انرژی در معرض تهدید قرار گیرد (Karimifard, 2023: 151). آمریکا در چندین برهه قصد خروج از منطقه خلیج فارس را داشت، اما مواردی چون خیزش‌های عربی و ظهور داعش، بار دیگر این منطقه را به مرکز توجه جهانی و سیاست‌های راهبردی آمریکا تبدیل کرد.

یکی دیگر از ابعاد مهم رقابت‌های آمریکا و چین، مسئله پیشرفت‌های فناورانه است. اهمیت بعد فناوری در تثبیت رشد پایدار موقعیت قدرت‌های جهانی به اندازه‌ای است که جایگاه هر

کشوری به استانداردهای فناوری آن در زنجیره ارزش جهانی وابسته است. در دهه ۱۹۹۰ و موج اول دیجیتال، آمریکا صدرنشین کشورهای جهان در حوزه فناوری‌های دیجیتالی بود. امروزه چین نیز این هدف را دنبال می‌کند و در سند چشم‌انداز ۲۰۲۵ چین، این مسئله به‌صراحت بیان شده و آرمان دستیابی به حوزه تکنوپولیتیک در گستره وسیع ابتکار عمل یک کمر بند یک جاده می‌تواند به‌عنوان وزنه تعادل با آمریکا به‌کار گرفته شود، زیرا خدمات‌دهنده‌هایی نظیر گوگل و مایکروسافت در آمریکا مستقر هستند و همه اطلاعات شرکت‌های جهانی می‌تواند در داده‌های ابری آن‌ها ذخیره شود و به آن دسترسی پیدا کنند، به‌همین جهت چین به دنبال آن است تا این خلأ را پر و از احتمال اخلاص در روند پیشبرد اهداف کلان خود جلوگیری کند (Sharafkhani, Ha- 95-92:2022, Jimineh, Dehshiri). از آنجایی که کشورهای خلیج فارس در رقابت میان چین و واشنگتن به دنبال شریک مطمئن‌تری برای محافظت از خود در برابر تهدیدات و تغییر سریع موازنه قدرت در منطقه هستند و چین را منبع اضافی برای حمایت سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی در منطقه می‌دانند، در روابط پکن و این کشورها در سال‌های اخیر توسعه چشمگیری ایجاد شده است، زیرا پکن توانسته ضمن رقابت با هژمونی ایالات متحده در منطقه سیاست‌های اقتصادی خود را از طریق دیپلماسی مشارکتی به‌جای سیاست اتحاد با کشورهای حاشیه خلیج فارس پیش ببرد و برگ برنده‌ای باشد برای این کشورها تا آن‌ها نیز بتوانند با تعمیق روابط دوجانبه با چین به‌عنوان یک شریک تجاری نمونه و با نفوذ سیاسی در عرصه بین‌الملل، سیاست‌های واشنگتن را در منطقه تعدیل کنند. نگاهی به حجم تبادلات تجاری آمریکا و چین با کشورهای منطقه گویای پیشرفت چشمگیر دیپلماسی اقتصادی چین در منطقه است. آمار واردات آمریکا گویای آن است که این کشور تا ده‌ماهه ۲۰۲۲، حدود ۷۹ میلیارد دلار از ۱۳ کشور منطقه غرب آسیا واردات داشته است. عربستان سعودی با ۲۰ میلیارد دلار صادرات (جیش ۱/۴ برابری نسبت به سال ۲۰۰۰) توانسته به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک اقتصادی آمریکا در منطقه، سهم ۲۵ درصدی از واردات را به خود اختصاص دهد. از طرف دیگر، آمارهای واردات چین نشان می‌دهد که تا ده‌ماهه ۲۰۲۲، حدود ۳۱۴ میلیارد دلار از ۱۳ کشور منطقه واردات داشته است. عربستان سعودی با صادرات ۶۷ میلیارد دلاری همچنان در صدر قرار دارد و حجم صادرات این کشور نسبت به سال ۲۰۰۰، حدود ۳۴ برابر شده است. پس از آن، امارات با صادرات ۳۶ میلیارد دلاری تا اکتبر ۲۰۲۲ و ۴۱۶ میلیون دلاری در ۲۰۰۰ (رشد ۸۷ برابر)، عراق با ۳۲ میلیارد دلار در ۲۰۲۲ و ۶۴۸ میلیون دلار در ۲۰۰۰ (جیش ۵۰ برابری)، عمان با ۳۰ میلیارد دلار و جیش ۹ برابری نسبت به

۲۰۰۰ و کویت با ۲۲ میلیارد دلار صادرات در ۲۰۲۲ و ۳۰۰ میلیون دلاری در ۲۰۰۰ (جهش ۷۴ برابری) قرار دارند. صادرات ایران نیز پس از صادرات ۱۸ میلیارد دلاری قطر (جهش ۴۱ برابری) با حدود ۶ میلیارد دلار در رتبه هشتم قرار دارد که در مقایسه با صادرات ۱/۸ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۰، تنها ۳ برابر شده است. البته حجم صادرات ایران در سال‌های گذشته بیش از این مقدار بوده؛ برای مثال در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب به ۳۰ و ۲۵ میلیارد دلار نیز رسیده بود. (TradeMap, 2022)

چین و اتحادیه اروپا

عامل اصلی توجه اتحادیه اروپا و چین به منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، وجود منابع عظیم انرژی در این منطقه و نیاز اساسی این دو کشور به انرژی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی است. بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا و کشورهای اروپا با همکاری یکدیگر حکمرانی جهانی را شکل دادند و این حکمرانی را در چهارچوب سیستم چندجانبه بین‌المللی اعمال کردند. این نظام که همیشه دلگرم به پشتیبانی یکپارچه اتحاد فرآتلاتیکی بوده، در حال حاضر با پیدایش قدرت‌های نوظهوری مانند چین نگران مشروعیت کاهش یافته هژمون در عرصه جهانی است. در حالی که دغدغه آمریکا در مقابل بروز و ظهور چین بیشتر امنیتی و ژئوپلیتیک است، اروپا عمدتاً نگران پیامدهای اجتماعی- اقتصادی قدرت‌یابی چین به‌عنوان یک نظام ناسازگار با هنجارهای نظام لیبرال جهانی است. در مقابل اتحادیه اروپا که نه توان مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را دارد و نه مانند چین نظم جایگزینی برای سیستم موجود در دست دارد؛ ناچار است به‌عنوان کنشگری نرم به دنبال حفظ وضع موجود و تشویق آمریکا به حمایت از این نظم و منصرف کردن چین از تغییر آن باشد و همواره تلاش می‌کند قدرت چین را در عرصه بین‌المللی مهار کند.

یکی از مناطق ژئواستراتژیک مورد توجه طرفین در نظام بین‌الملل، منطقه خلیج فارس و غرب آسیاست. چین و اروپا هر دو بر این مسئله تأکید دارند که شرایط حاکم بر این منطقه به شدت می‌تواند در موقعیت سیاسی و اقتصادی آن‌ها تأثیرگذار باشد. در مقطع کنونی، کشورهای اروپایی بر اساس توان و موقعیت خود، در قالب اتحادیه اروپا یا به صورت مجزا و انفرادی درصدد افزایش حضور و نقش‌آفرینی در خلیج فارس هستند و اهداف و منافع متفاوت و متعددی را در این حوزه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دنبال می‌کنند که شامل اهداف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و تأمین انرژی است. کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر بیشترین بخش انرژی مورد نیاز خود را

از روسیه تأمین می‌کردند، در بیش از یک سال گذشته و در پی حمله نظامی روسیه به اوکراین، این کشورها تحریم‌های متعددی علیه روسیه وضع کرده‌اند که به صورت مقطعی به بحران انرژی در سطح اروپا دامن زد. این بحران ضمن اینکه سبب شد متنوع‌سازی بازارهای تأمین انرژی به یک موضوع جدی در میان کشورهای اروپایی تبدیل شود، اهمیت منطقه خلیج فارس را برای این کشورها دوچندان کرد. فرانسه و امارات عربی متحده در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۲، توافق‌نامه‌ای در زمینه انرژی امضا کردند تا تأمین نفت و گاز طبیعی از امارات تضمین شود. صدراعظم آلمان نیز در سپتامبر ۲۰۲۲، ضمن سفر به امارات متحده عربی، قرارداد خرید گاز طبیعی مایع از این کشور را امضا کرد. اروپا برای تأمین نیاز خود به انرژی قصد ندارد در برابر روسیه مامشات به خرج دهد و با توجه به بلا تکلیفی برجام و غیبت ایران از بازارهای بین‌المللی انرژی می‌کوشد کشورهای عرب خلیج فارس را جایگزین روسیه کند. یکی از پایه‌های اصلی امنیت اروپایی با در نظر گرفتن اینکه اتحادیه اروپا دومین بازار بزرگ با ۴۵۰ میلیون جمعیت مصرف‌کننده انرژی است، انرژی پایدار، رقابتی و امنیت آن است. قیمت نفت پس از سال ۲۰۰۳، در کنار اقدامات جاه‌طلبانه روسیه برای استفاده از انرژی به‌عنوان یک سلاح سیاسی و تحت فشار گذاشتن کشورهای اروپای شرقی متحد غرب، امنیت انرژی را به اولویت بالای سیاسی در اتحادیه اروپا تبدیل کرده است. آمارها نشان می‌دهد که تقریباً ۷۳ درصد مصرف انرژی اتحادیه اروپا نفت است و این به چالش بزرگی برای این کشور تبدیل شده است. (Ebrahimi, 2010:11)

نکته مهم‌تر در باب رقابت‌های چین و اتحادیه اروپا جذابیت‌های هر دو طرف برای کشورهای منطقه است. در حالی که اروپا منبع جذابی از سرمایه و فناوری برای کشورهای منطقه است و فراتر از آن در حوزه سیاسی همکاری با اتحادیه اروپا می‌تواند هم زمینه‌ساز جلب نظر آمریکا شود و هم فشارهای حقوق بشری را از روی کشورهای منطقه بردارد یا لاقلاً کمتر کند چینی‌ها با تأکید نداشتن روی مسائل سیاسی و حقوق بشری بنا را بر همکاری اقتصادی صرف گذاشته و می‌توانند بدون درخواست مابه‌ازاء هم خریدار نفت فراوان از منطقه باشند و هم منبعی برای سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی.

به همین خاطر اتحادیه اروپا در رقابت با چین توسعه همکاری‌های انرژی و تجاری را با کشورهای حاشیه خلیج فارس در دستور کار قرار داده است. شواهد حاکی از آن است که چین با موازنه‌سازی قدرت منطقه‌ای در زیرسیستم خلیج فارس تا حد بسیار زیادی توانسته موقعیت خود را در منطقه تثبیت کند و وزنه اقتصادی منطقه را به نفع چین نگه دارد.

چین و هند

رقابت‌های منطقه‌ای یکی از جلوه‌های رقابت دولت‌ها در فضای بین‌المللی است. این مسئله در دهه اخیر موجب شده دو کشور چین و هند در مناطق جنوب و جنوب شرق آسیا برای به دست آوردن موقعیت برتر در منطقه و تغییر موازنه قدرت منطقه به نفع خود رقابت کنند. در این راستا، در مقابل نفوذ چین در منطقه هند تلاش کرده ارتباط خود را با کشورهای مختلف در راستای سیاست‌های نگاه به غرب، نگاه به شرق، نگاه به شمال و روابط با آمریکا توسعه دهد. در سیاست نگاه به غرب هند، این کشور پس از جنگ سرد همکاری‌های گسترده‌ای را با دولت‌های غرب آسیا و شمال آفریقا آغاز کرده است. عربستان، عمان و امارات بزرگ‌ترین تأمین‌کننده‌های نفت هند هستند. ایران گزینه دیگر هند برای رسیدن به منافع خود و موازنه علیه چین است، اما بعد از اوج گرفتن تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، روابط این دو کشور، که تا حد زیادی متأثر از روابط با ایالات متحده آمریکا است، محدود شده است. با وجود این، در برخی حوزه‌ها همچنان همکاری‌ها ادامه دارد، برای مثال مشارکت در طرح‌های ارتباطی و صنعتی بندر چابهار که می‌تواند در رقابت با چین، پاکستان را دور بزند و به آسیای میانه و افغانستان برسد و هند تمام تلاش خود را کرده تا توافق‌نامه‌های اخیر چین و ایران در حوزه همکاری‌های بلندمدت توسعه‌ای مانع دسترسی هند به این بندر نشود. (Taghizadeh Ansari, Bagherinia, 2021:22)

از نظر تاریخی، هند و چین هر دو روابط تجاری طولانی مدتی با منطقه خلیج فارس و غرب آسیا داشته‌اند. حتی اگر هند از نظر فرهنگی و جغرافیایی بیشتر از چین به کشورهای غرب آسیا نزدیک باشد، سیاست عمل‌گرایانه چین در حوزه تعاملات اقتصادی با این منطقه موجب شده پکن به شریک استراتژیک این منطقه تبدیل شود. امروزه روابط هند و چین با منطقه خلیج فارس عمدتاً اما نه منحصراً مبتنی بر انرژی است و ایران و عربستان تأمین‌کنندگان اصلی آن‌ها هستند. در منطقه‌ای که به‌طور سنتی تحت تسلط غرب است، ظهور این بازیگران جدید پیامدهای مهمی داشته است؛ نخست از نظر اقتصادی، رشد اقتصادی هند و چین کشورهای منطقه غرب آسیا را به سوی بازارهای صادراتی جدید برای سرمایه‌گذاری هدایت کرده است. از طرف دیگر توانسته هژمونی حاکم بر منطقه را متوازن کند. جدول شماره ۷ حجم مبادلات تجاری هند با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۷: حجم تجارت هند با شورای همکاری خلیج فارس و ایران

کشور	شورای همکاری خلیج فارس (GCC) (میلیارد دلار)	ایران	سال
	۸۰/۲	۴۷۹/۵ میلیون دلار	۲۰۱۹
	۶۴/۳	۱/۹۴ میلیارد دلار	۲۰۲۰
	۹۶/۵	۸۷۵/۳ میلیون دلار	۲۰۲۱

Source: TradeMap.2022

نتیجه‌گیری

نگاه کلان به ماهیت رقابت‌های منطقه‌ای خلیج فارس نشان می‌دهد که خلیج فارس به واسطه موقعیت برجسته خود علاوه بر اینکه از منظر انرژی در جهان تأثیرگذار بوده و هست از منظر جغرافیایی هم دارای موقعیت ویژه‌ای است و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای به دست آوردن موقعیت برتر در این زیرسیستم ناچارند با یکدیگر تعاملات پیچیده‌ای در حوزه اقتصادی و سیاسی داشته باشند. چین به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای که در این سال‌ها تلاش کرده در نظم امنیتی منطقه دخالت نکند و خود را به عنوان بازیگر اقتصادی در منطقه معرفی کند؛ توانسته اعتماد کشورهای حاشیه خلیج فارس را جلب کند و به مهم‌ترین شریک تجاری کشورهای عربی و ایران در منطقه تبدیل شود. چین با به کارگیری سیاست موازنه‌سازی منطقه‌ای بین قدرت‌های موجود در زیرسیستم خلیج فارس توانسته دوگانه‌های موجود در منطقه را شناسایی و برای تعامل با هریک از این قطب‌های متعارض، استراتژی خاصی را طراحی کند و ضمن برقراری تعادل در تعامل با هریک از قدرت‌های موجود منافع ملی خودش را در منطقه دنبال کند. چین درصدد است تا به شیوه‌ای نرم قدرت خود را افزایش دهد و با گسترش قدرت اقتصادی خود به سراسر جهان در بلندمدت آمریکا را کنار بزند و خود تبدیل به یک هژمون مسلط شود. در این راستا، با تسلط و نفوذ در خلیج فارس، دیپلماسی اقتصادی موفق‌تری را در این منطقه به اجرا گذاشته و شواهد حاکی از آن است که پکن توانسته در شاخص‌های اقتصادی از مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود یعنی ایالات متحده آمریکا پیشی بگیرد و توجه سایر قدرت‌ها را نیز به گسترش نفوذ خود در خلیج فارس جلب کند، به گونه‌ای که پای قدرت‌های بزرگ دیگر را نیز به این زیرسیستم باز کرده است و آن‌ها نیز به دنبال حضور فعالانه در این منطقه هستند

بنابراین پکن در مقابل هریک از قدرت‌های فرامنطقه‌ای دیگر، که حضور مؤثری در خلیج فارس دارد، احساس خطر می‌کند و ناچار است با به‌روزرسانی طرح‌ها و همکاری‌های جامع استراتژیک با کشورهای بزرگ منطقه، مزیت حضور خود در خلیج فارس را در مقابل حضور قدرت‌های دیگر از جمله هند و اتحادیه اروپا برای کشورهای حاشیه‌نشین خلیج فارس بالا ببرد.

چین روابط خود را با پادشاهی‌های خلیج فارس با تکیه بر دیپلماسی‌های مشارکتی به‌جای توسل به سیاست اتحاد پیش می‌برد، زیرا چین به دنبال برهم زدن موازنه منطقه و تشدید دوقطبی‌های موجود در منطقه نیست و از رقابت‌های منطقه‌ای موجود بین کشورهای حاشیه خلیج فارس سود می‌برد، زیرا می‌داند که اراده و ظرفیت ایفای نقش ایالات متحده در منطقه را ندارد، به‌همین دلیل، با استفاده از فرصت استراتژیک ایجاد موازنه‌سازی منطقه‌ای و با انجام پروژه‌هایی نظیر کمربند و جاده و تأمین سبد انرژی خود از منطقه در پی تقویت موقعیت پکن است. آنچه حائز اهمیت است آینده تعاملات کشورهای منطقه خلیج فارس است که عمدتاً ضمن مشارکت استراتژیک با ایالات متحده، برقراری روابط با سایر قدرت‌ها را نیز برای حراست از خود در برابر تهدیدها و تغییر سریع موازنه قدرت در دستور کار قرار داده‌اند. هدف این سیاست استفاده از چین به‌عنوان منبعی اضافی برای به‌دست آوردن حمایت سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی و همچنین بهره‌برداری از روابط با پکن برای تحت فشار قرار دادن واشنگتن جهت تعدیل سیاست‌هایش است، در واقع چین در یک بازی برد-برد با همسویان خود در منطقه در راستای منافع خود، تمامیت‌خواهی ایالات متحده در این زیرسیستم را نیز متأثر می‌کند و با به‌کارگیری ابزارهای نرم قدرت، موازنه‌سازی قدرت در منطقه را در جهت اهداف خود هدایت می‌کند بنابراین به‌نظر می‌رسد رقابت‌های منطقه‌ای در زیرسیستم خلیج فارس در دو بخش رقابت‌های درون منطقه‌ای میان کشورهای منطقه و رقابت میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه بستر و شرایط لازم را برای تسهیل دیپلماسی اقتصادی چین در این منطقه مهیا کرده است.

References

- Abbasi, Ebrahim, Khosravi, Mostafa (2019). The Islamic Republic of Iran and the UAE: economic cooperation and political divergence 1990-2020, Foreign Relations Quarterly, No.41, pp. 37-66. [In Persian]
- Ahmed, Elbassoussy (2019). European Energy Security Dilemma: Major Challenges and Confrontation Strategies, Department of Political Science, Vol.4, No.4, pp.150-170
- Arizi, Seyed Morteza (2020). Qatar and Bahrain on the way to war, Strategic Research Institute, <https://csr.ir/fa/news/1261> [In Persian].
- Asadi, Ali (2023). The consequence of the security competition between the United States of America and the People's Republic of China in the Indo-Pacific security environment, Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies, <https://www.cmess.ir/Page/View/2023-05-13/6241> [In Persian].
- Asian Infrastructure Investment Bank (2022). Members and Prospective Members of the Bank. (Observed 2022, 12, 1) at: <https://www.aiib.org/en/about-aiib/governance/members-of-bank/index.html>
- British Petroleum, (2022). Energy Outlook 2036. (Observed 2022, 12, 1) at: <https://www.bp.com/en/global/corporate/search-results.html?q>
- Ceic Flex (2021). China Crude Oil: Imports.(Observed, 2020, 13, 12) at: <https://www.ceicdata.com/en/indicator/china/crude-oil-imports>
- CIA (2022)."World Factbook". (Observed 2022, 12, 1) at: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/>
- CIA (2021). World Factbook. (Observed 2022, 12, 1) at: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/>
- Ebrahimi, Shahrouz (2010). New EU interests in the Persian Gulf with an emphasis on Britain: Europe's return to the region, Foreign Policy Quarterly,

Vol.24, No.27, pp.195-222. [In Persian]

Eksi, Moharrem (2017). Regional Hegemony Quests in The Middle East, From The Balance of From The Balance Of Power System to The Balance Of Proxy War's, Academic Bakis, pp.133-156

Fallahi, Ehsan (2020). China's defense strategy in the context of regional competition between Iran and Saudi Arabia, Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies, <https://www.cmess.ir/Page/View/2021-02-14/4659> [In Persian].

Fulton, Jonatan (2020). Strangers to Strategic Partners: Thirty Years of Sino-Saudi Relations, Atlantic Council, (observed:6/13/2024) at: https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2020/08/Sino-Saudi-Relations_WEB.pdf

Fulton, Jonatan (2021). China between Iran & the Gulf Monarchies, Middle East Policy, No.28, pp.203-216

Garlic, Jermy; Hava Lova, Radka (2020). China's Belt and Road Economic Diplomacy in the Persian Gulf Strategic Hiding amidst Study Iranian Regional Rivalery, Jornal of Current Chinese Affairs, Vol.49, pp. 82-105

Gohiselli, A, Giuffraida, M. (2021). China as an Offshore Balancer in The Middle East And North Africa, The Rusi Jornal, Vol.2, pp.10-20

Gou, Meixin; Lu, Lin; Yu, Miaojie (2018). The Day After Tomorrow, Evaluating The Barden Of Trump Trade War, Asian Economic Peper, Vol.17, No.2, pp.101-120

International Monetary Fund (2022). IMF Data. (Observed 2022, 12, 1) at: <https://www.imf.org/en/Data>

Karimifard, Hosein (2023). Analysis of political and economic competition between America and China in the Middle East in the years 2021 to 2023, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol.5, No.18, pp.137-162. [In Persian]

- Khajavi, Mozghan; Fathabadi, Abbas (2016). China's foreign policy in the Persian Gulf region and its impact on American interests, Journal of Economic-Political Information, Vol.3, No.16, pp.15-36. [In Persian]
- Levy, Jack; Thomson, William. R (2005). Hegemonic Threats and Great-Power Balancing in Europe, 1495-1999, Security Studies, Vol.14, No.1, pp.1-33
- Little, Richard, Kaufman, Stuart, Wohelforth, William. C. (2007). The Balance Of Power in World History, New York, Department of Government
- Loft, Philip; Curtis, John; Ward, Matthew (2022). China & the US in the Middle East: Iran & Arab Gulf, Common Slibrary, pp.7-43
- Mohammadi, Omid; Salehi, Mokhtar; Ghezelsoufa, Mohammadtaghi (2024). Feasibility of Iran's imitation of China's economic development model, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Vol.6, No.19, pp.259-289. [In Persian]
- Moradi Haghghi, Faeze; Aziznegad, Samad (2021). Examining the dimensions of China's Belt and Road initiative and Iran's business cooperation opportunities, Islamic Parliament Research Center. [In Persian]
- Nadig, Smruthi (2024). Russia overtakes Saudi as China's largest oil supplier in 2023, offshore Technology, (observed: 6/13/2024) at: <https://www.offshore-technology.com/news/russia-overtakes-saudi-as-chinas-largest-oil-supplier-in-2023/?cf-view>
- OEC (2024). Crude Petroleum in Saudi Arabia, (observed: 2024/6/13) at: <https://oec.world/en/profile/bilateral-product/crude-petroleum/reporter/sau>
- OECD, Business and Finance Outlook (2018). China's Belt and Road Initiative in the Global Trade, Investment and Finance Landscape.
- Parker, Thomas (2000). China's Growing Interests in the Persian Gulf, The Brown Journal of World Affairs, Vol. 7, No.1, pp. 235 -243.
- Presidential Center for Progress and Development (2021). Investigating China's

strategic cooperation with other countries. <http://cpdi.ir/uploads/1/2022/Jan/26/Final%20China%20Strategic%20Partnership%20Report.pdf>

Sazmand, Bahareh; Arghavani Pirsalami, Fariborz (2017). Global and regional foreign policy of China in the 21st century, Tehran: Tehran University. [In Persian]

Scobell, Andrew; Nader, Alireza (2016). China in the Middle East: The Wary Dragon, Rand Corporation.

Sharafkhani, Majid; Hajimineh, Rahmat; Dehshiri, Mohammadreza (2022). China's economic strategy in the hegemonic competition with America in the Middle East, Strategic Policy Research Quarterly, Vol. 1, No.40, pp.45-80.

Soltani, Alireza; Behmanesh, Reza (2011). European Union and energy security challenges, Research paper on international relations, Vol.4, No.170, pp.9-32. [In Persian]

Taghizadeh Ansari, Mohammad (2016). Trans-Pacific Free Trade Agreement and rebalancing China's economic influence, International Relations Studies, Vol.9, No.24, pp.9-41. [In Persian]

Taghizadeh Ansari, Mohammad; Baghernia, Niloofar (2021). The nature of competition between India and China in South Asia, Journal of Subcontinent Researches, Vol.13, No.41, pp.115-140. [In Persian]

Trade map (2011). Data Availability. (Observed 2022, 12, 1) at: https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx?nvpm

Trade map (2021). Country Sell Product. (Observed 2022, 12, 1) at: https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx?nvpm=1%7C%7C%7C%7C%7CTOTAL%7C%7C%7C2%7C1%7C1%7C1%7C2%7C1%7C2%7C1%7C%7C1

Trade map (2021). Country Sell Product"b. (Observed 2022, 12, 1) at: https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx?nvpm

- Uschan, Michael. V (2008). China since World War II, New York, Lucent Company.
- Xuming, Qian; Fulton, Jonathan (2017). China-Gulf Economic Relationship under the Belt and Road Initiative, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, Vol.11, No.3, pp.12-21.
- Yu, Hung (2017). Motivation Behind China's One Belt One Road Initiatives And Establishment of The Asian Infrastructure Investment Bank, Journal of Contemporary China, Vol.26, pp: 356-368.

